

نقد و بررسی

روش آماری در تاریخ‌گذاری قرآن*

- منصور پهلوان^۱
- ابراهیم اقبال^۲
- محمدعلی حیدری مزرعه‌آخوند^۳

چکیده

یکی از اموری که به شناخت درست و دقیق قرآن و ترجیح آرای برتر و مردود ساختن اقوال دیگر کمک می‌کند، تاریخ‌گذاری سوره‌ها و آیه‌های قرآن کریم است. در تعیین تاریخ نزول سوره‌ها و آیه‌های قرآن کریم دو مبنای نقلی و اجتهادی وجود دارد. مبانی نقلی شامل روایات ترتیب نزول، اسباب نزول و مکی و مدنی و مبانی اجتهادی شامل وجود ضوابط و ویژگی‌های سور مکی و مدنی و توجه به سبک و اسلوب و مضمون سوره‌هاست. در این میان، بازرگان بدون توجه به مبانی فوق و باروش آماری، تاریخ نزول سوره‌های قرآن کریم را مشخص نموده است. در این گفتار ضمن معرفی روش بازرگان، به بیان اشکال‌های کلی و

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۹/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۱.

۱. استاد دانشگاه تهران (pahlevan@ut.ac.ir).

۲. دانشیار دانشگاه تهران (eeghbal@ut.ac.ir).

۳. استادیار دانشگاه یزد (نویسنده مسئول) (mohamadali_heydari@yahoo.com).

موردی (مصدافی) این روش پرداخته می‌شود و با مقایسه ترتیب نزول سوره‌های ارائه‌شده توسط وی با ترتیب‌های روایی، اثبات می‌گردد که این روش به تنهایی نمی‌تواند روشی جامع در تاریخ‌گذاری سوره‌های قرآن کریم باشد.

واژگان کلیدی: تاریخ‌گذاری، ترتیب نزول قرآن، بازرگان، روش آماری.

مقدمه

تاریخ‌گذاری قرآن (به معنای تعیین محدوده زمانی نزول سوره‌ها و یا بخش‌هایی از یک سوره) هرچند عنوانی جدید در تحقیقات قرآنی است، علوم زیربنایی آن همچون ترتیب نزول سوره‌ها، اسباب نزول و به ویژه مکی و مدنی، از صدر اسلام وجود داشته است. این امر بر مبانی و منای استوار است که مهم‌ترین آن‌ها، توجه به روایت‌های ترتیب نزول، مکی و مدنی، اسباب نزول، اقوال تاریخی و توجه به ضوابط و ویژگی‌های سور مکی و مدنی است. مفسران و محققان با روش‌های گوناگون به این امر پرداخته‌اند. عده‌ای تنها با استفاده از روایت‌های ترتیب نزول (فارسی، ۱۳۶۱: ۱۸؛ دروزه، ۱۳۸۳: ۶۷/۱) و برخی با اصل قرار دادن آن روایت‌ها و توجه بیش از حد به روایت‌های تاریخی و اسباب نزول، تاریخ نزول سوره‌های قرآن را مشخص کرده‌اند (آل‌غازی، ۱۳۸۲: ۲۴/۱). برخی بدون در نظر گرفتن مبانی نقلی و اصل قرار دادن مبانی اجتهادی، نظیر سیاق آیات و سبک و اسلوب سوره‌ها و محتوای وحی به این امر اقدام کرده‌اند. علامه طباطبایی با بی‌اعتبار دانستن روایت‌های ترتیب نزول و نقد روایت‌های اسباب نزول و تکیه بر سیاق آیات و سبک و محتوای سوره‌ها، تاریخ نزول سوره‌ها را مشخص نموده است (۱۳۵۳: ۱۸۶). بازرگان نیز با بی‌توجهی به روایت‌های ترتیب نزول و اصل قرار دادن داده‌های آماری و بلندی و کوتاهی آیه‌ها و ارائه اصطلاحاتی نظیر طول متوسط آیه، طول غالب، ارتفاع، دامنه و طول مبنا و با در نظر گرفتن اعداد و ارقام استخراج‌شده از آیه‌های هر سوره و کلمات هر آیه، تاریخ نزول آن‌ها را مشخص کرده است (۱۳۸۶: ۳۵-۱۱۵). ذکر این نکته ضروری است که بازرگان در احتمالی بودن این روش چنین نوشته است:

باید بگویم که نه نویسنده ادعای دقت و صحت قاطع در استنتاج‌های ارائه‌شده دارد و نه خوانندگان می‌توانند چنین انتظاری داشته باشند (همان: ۳۴).

وی پس از نگارش کتاب سیر تحول قرآن، به نگارش تفسیری بر اساس ترتیب نزول

خویش همت گماشت و آن را پایه پای وحی نام نهاد، وی در مقدمه کتاب به تشریح اهمیت و فواید این سبک تفسیری پرداخته و با آوردن هر دسته از آیات قرآنی به تفسیر و ترجمه واژه‌ها و بیان تاریخی آن‌ها پرداخته است (بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۱۳۶). علاوه بر این، عبدالکریم بهجت‌پور نیز بر اساس روایات ترتیب نزول، تفسیری به نام همگام با وحی در دست نگارش دارد که از جهت روش تفسیری با بازرگان یکسان است، اما ترتیب نزولشان متفاوت است. حال جای این سؤال است که آیا بدون توجه به مبانی نقلی، به ویژه روایت‌های ترتیب نزول و تکیه بر روش آماری می‌توان تاریخ نزول سوره‌های قرآن کریم را مشخص نمود؟ و بهترین روش در تاریخ گذاری قرآن کریم چیست؟ پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال‌هاست.

۱. معرفی روش آماری

یکی از روش‌های تاریخ گذاری آیات و سوره قرآن کریم، استفاده از داده‌های ریاضی و آماری است، این روش توسط بازرگان در کتاب *سیر تحول قرآن* به وجود آمد؛ بر این اساس که کلمات و آیه‌های قرآن کریم در طول سال‌های رسالت افزایش دارد. وی یکایک مبانی‌ای را که پیش از او در تاریخ گذاری قرآن برگزیده شده و ملاک کار قرار گرفته است، بررسی کرده و ناکارآمد دانسته و درباره کارایی روایات ترتیب نزول گفته است:

ما می‌توانیم برای شروع کار و به دست آوردن سرنخ از وجود همین صورت‌ها استفاده کنیم (۱۳۸۶: ۳۷).

نیز در مورد روایت‌های اسباب نزول در جهت یافتن زمان و ترتیب نزول آیات و سوره چنین نوشته است:

بدیهی است که شأن نزول‌ها و تقارن‌ها با وقایع تاریخی می‌تواند وسیله خوبی برای زمان‌یابی آیات و سوره‌ها باشد که متأسفانه نه شأن نزول‌ها خیلی مشخص و مطمئن و متفق علیه است و نه برای اکثریت آیات می‌توان شأن نزول و مقارنه‌های تاریخی پیدا کرد. این هم ممکن است در آنجاها که اطمینان و یقین نسبی وجود داشته باشد به عنوان نشانه و محک به کار برده شود (همان: ۳۹).

آهنگ و وزن آیات نیز در مورد سوره‌های مکی مفید است.

اما این میزان عمومیت نداشته، سوره‌های مدنی غالباً بدون آهنگ و قافیه است یا مکرراً آیات به کلماتی مانند «یعلمون»، «بخسرون» یا «رحیم» و «علیم» ختم می‌شود (همان: ۳۸).

ساده‌تر و سراسرتر از همه این‌ها، آنچه همه کس فهم باشد، بلندی و کوتاهی آیات است؛ یعنی تعداد کلماتی که هر آیه را تشکیل می‌دهد و ما آن را «طول آیه» می‌نامیم. این نکته معلومات صرف و نحو و لغت‌شناسی لازم ندارد و از وسایل سنجش دیگر بی‌دغدغه‌تر و بی‌اختلاف‌تر بوده، مزیت عمده‌اش این است که مستقیماً به عدد و رقم درمی‌آید... هر سوره رقم مخصوص به خود را دارد که آن را «شاخص سوره» اصطلاح خواهیم کرد. البته آیات یک سوره متساوی الطول نیستند... ولی نزدیک به یکدیگرند و نظامی دارند. باید «طول متوسط» را در نظر بگیریم. «طول متوسط» از متوسط‌گیری تک تک آیات به دست می‌آید. کافی است تعداد کل کلمات یک سوره را بر تعداد آیات آن... تقسیم نماییم (همان: ۳۹).

با گذشت زمان، طول متوسط سوره‌ها افزایش می‌یابد؛ برای نمونه، سوره همزه با طول متوسط $3/78$ مربوط به سال اول و سوره طه با طول متوسط $9/15$ (با توجه به اظهار نظر بازرگان و تقسیم سوره به سه واحد نزول) مربوط به سال‌های دوم، چهارم و پنجم بعثت و سوره مائده با طول متوسط $22/91$ مربوط به اواخر هجرت است (همان: ۴۰).

بر این اساس فهرستی از سوره‌ها با توجه به طول متوسط آیات ذکر می‌شود که اولین سوره آن اخلاص است در مکه با طول متوسط ۳، و آخرین آن سوره ممتحنه است در مدینه با طول متوسط $99/23$. سوره علق با طول متوسط $73/3$ در ردیف بیستم، سوره فاتحه با طول متوسط $14/4$ در ردیف بیست و هشتم و سوره توبه با طول متوسط $18/83$ در ردیف ۱۰۲ قرار گرفته‌اند (همان: ۴۹).

در میان ۸۶ سوره مکی (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸/۱؛ بیهقی، ۱۹۸۰: ۱۴۲/۷) سوره‌های مدنی «زلزله، بینه، تغابن، محمد و منافقون» و نیز در میان ۲۸ سوره مدنی (ر.ک: شهرستانی، ۱۳۷۶: ۱۳۱/۱-۱۳۳؛ حاکم حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۱۴/۲)، سوره‌های مکی «شوری، قصص، لقمان، احقاف، یونس، فاطر، مؤمن و انعام» قرار گرفته است (بازرگان، ۱۳۸۶: ۴۹).

سپس بازرگان به مقایسه ترتیب خویش با ترتیب اجتهادی ارائه شده از سوی بلاشر می‌نشیند و به زعم خویش ترتیب خویش را اندکی مغایر با آن می‌بیند (همان: ۵۰) و با این مقایسه، به ادامه کار تشویق می‌شود و قاعده «طول متوسط» را حداقل به عنوان فرضیه و راهنما (اندیس) قابل استفاده می‌داند و برای حل تعارض‌های ترتیب سوره‌های ارائه شده توسط خود و بلاشر، سه شاخص «طول غالب، ارتفاع و دامنه» را نیز بر طول متوسط آیات افزوده تا از این طریق به ترتیب بلاشر نزدیک‌تر گردد. طول غالب، تعداد کلمات آیاتی که به لحاظ طول کلمه‌ای، در سوره اکثریت دارند، ارتفاع، عرض بیشینه یا ارتفاع قله در منحنی مشخصه معادل است، و دامنه، عدم تقارن یا تناسب گسترش به راست و چپ منحنی با توجه به ارتفاع آن است (همان: ۶۶). بر این اساس با پیشرفت اسلام سه شاخص طول متوسط آیات، طول غالب و دامنه، افزایش و شاخص ارتفاع، کاهش می‌یابد (همان: ۶۷).

به این ترتیب به زعم بازرگان، طول غالب به ترتیب در سوره‌های همزه، طه و مائده با رقم ۴، ۵ و ۱۳ افزایش دارد؛ زیرا سوره همزه ۵ آیه ۴ کلمه‌ای، و سوره طه ۱۹ آیه ۵ کلمه‌ای، و سوره مائده به طور یکسان ۹ آیه ۱۳ و یا ۱۵ کلمه‌ای دارد. دامنه این سوره‌ها نیز به ترتیب با رقم ۳، ۲۲ و ۳۹ افزایش یافته است؛ زیرا سوره همزه ۳ دسته آیات ۳، ۴ و ۵ کلمه‌ای، و سوره طه ۲۲ دسته آیات ۲ تا ۲۷ کلمه‌ای، و سوره مائده ۳۹ دسته آیات ۷ تا ۶۴ کلمه‌ای دارد. شاخص ارتفاع در سوره‌های همزه، طه و مائده به ترتیب با $۵/۵۵\%$ ، ۱۳% و $۶/۲۵\%$ کاهش دارد؛ زیرا از حاصل تقسیم آیات طول غالب سوره همزه که ۵ است بر کل آیات این سوره که ۹ است، عدد ۵۵% به دست می‌آید. همچنین از حاصل تقسیم آیات طول غالب سوره طه که ۱۹ است بر کل آیات این سوره که ۱۴۳ در نظر گرفته شده، عدد ۱۳% و از حاصل تقسیم آیات طول غالب سوره مائده که ۹ است بر کل آیات این سوره که ۱۲۰ در نظر گرفته شده، عدد $۷/۵\%$ به دست می‌آید (همان: ۱۱۷-۱۲۰).

بازرگان بر اساس شاخص‌های طول متوسط، طول غالب، دامنه و ارتفاع، ۳۰ سوره از سوره‌های قرآن نظیر تکویر، واقعه، عنکبوت، مؤمن، کهف، رعد، مریم، نحل، سجده، قارعه، فاطر، یس، ممتحنه، ملک، جن، دهر، انشقاق، بلد، کوثر، فاتحه،

کافرون و زلزال را تاریخ‌گذاری نموده (همان: ۶۹) و به رغم آمارهای نادرست، به نتیجه مطلوب خویش رسیده است، اما هنگامی که در تاریخ‌گذاری دیگر سوره‌ها به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و با منحنی‌های نامنظم مواجه می‌شود، در جهت حل این مشکل از اصطلاحاتی نظیر پاشش آیات (تنوع طول آیات یک سوره در چند بخش)، سوره‌های مختلط، سوره‌های مرکب، تقطیع سوره‌ها و سوره‌های ترجیع‌بند کمک می‌گیرد (همان: ۹۹-۷۱).

بازرگان معتقد است:

کمال مطلوب آن است که پاشش آیات در ابتدا و در وسط و آخر سوره به یک روال بوده، آیات در کلیه ستون‌های جدول توزیع به طور یکنواخت پخش شده باشند، نه آنکه یک قسمت سوره، بیشتر ستون‌های کم‌طول را اشغال نماید و قسمت دیگر به ستون‌های با طول بلند متوجه شود. در چنین حالت، بهتر است تفکیک قائل شده، برای هر قسمت سوره که پاشش یکنواخت داشته باشد، حساب جداگانه در نظر بگیریم. اتفاقاً در هر دو مورد، نظایر شناخته‌شده‌ای در قرآن وجود دارد. اولاً سوره‌هایی هست که بعضی آیات آن به شهادت روایات معتبر تاریخی یا به حکم سیاق عبارت و محتوای کلام، تعلق به زمان‌های متفاوت دارد. این قبیل سوره‌ها در منحنی مشخصه و در شاخص‌های مربوطه، ناهماهنگی‌های محسوسی نشان می‌دهند که با کنار گذاشتن آن آیات، به حالت طبیعی برمی‌گردند... ثانیاً سوره‌هایی هست که مورخین و مفسرین قبول دارند به صورت یکپارچه و دفعتاً واحد نازل نشده، بلکه ترکیب و تلفیقی از گروه آیه‌های مختلف هستند. در مشخصات ترسیمی این نوع سوره‌ها نیز انحراف و اشکال‌هایی نسبت به قاعده فرضی اتخاذی پیش می‌آید. اما وقتی گروه‌های هم‌زمان را جداگانه تجزیه و ترسیم می‌کنیم، به نتایجی می‌رسیم که نامنظمی کمتری دارد. بدیهی است که قرآن اگر ۱۱۴ سوره دارد، در ۱۱۴ مرتبه بر پیغمبر نازل نشده است و یک سوره بلند دو جزء و نیمی مانند بقره، آن‌قدر طولانی است و شامل مطالب گوناگون مربوط به حوادث و مسائل مختلف می‌باشد که تصور نزول یکسره آن خیلی مشکل و در عین حال غیر لازم به نظر می‌آید. یک مورد دیگر هم هست، مثل سوره رحمن که تکرار بعضی از آیات، وضع پاشش را غیر عادی کرده، بالنتیجه شاخص‌های نامنظم داده است. به این ترتیب وقتی روی چند مورد موجود، مسلم دیدیم که برگشت به حالت طبیعی و آیات، هم‌زمان سبب تأیید فرضیه اتخاذی می‌شود، این آزمایش به ما جرئت بیشتر در گرایش به صحت و کلیت آن

قاعده داده، اجازه می‌گیریم دربارهٔ سوره‌هایی که پاشش آیات، نامنظم نشان می‌دهند و یا منحنی مشخصه و شاخص‌های دور از قاعده دارند و ضمناً روایات موجود نسبت به وجود آیات مختلط یا گروه‌های متمایز آن‌ها ساکت و غیر قاطع است، دست به یک عمل تجزیه و تفکیک زده، اولاً آیاتی را که حالت استثنا و ناجوری دارند از حساب متوسط‌گیری خارج سازیم و ثانیاً در سوره‌های مرکب، دسته‌آیاتی را که دارای پاشش یکنواخت مشابه و طول‌های متوسط و غالب معادل هستند، در گروه‌های جداگانه قرار دهیم و سوره را بر حسب چنین گروه‌بندی، متعلق به زمان‌های مختلف بشناسیم (همان: ۷۲-۷۱).

سوره‌های مختلط سوره‌هایی هستند که توزیع کلمه‌های آیات در آن سوره‌ها به صورت یکسان و نزدیک به هم نیست؛ مانند سورهٔ مزمل که آیهٔ آخر آن با ۷۷ کلمه و آیات دیگر بین ۶ تا ۱۱ کلمه است و در هنگام آمارگیری، آیهٔ آخر در منحنی یک محل کاملاً دورافتاده را اشغال می‌نماید. طول متوسط سوره با احتساب آن آیهٔ ۷۷ کلمه‌ای، ۹/۹، ولی بدون آن ۶/۳۷ است (همان: ۷۳).

سوره‌های مرکب سوره‌هایی هستند که در منحنی نزول، خلل به وجود می‌آورند. برای حل این مشکل، سوره را مرکب از چندین دسته آیه می‌دانیم و برای هر قسمت، طول متوسط جداگانه در نظر می‌گیریم؛ مانند سورهٔ قلم که به دو قسمت تقسیم شده است، قسمت اول از ابتدای سوره تا آیهٔ ۱۶ به شمارهٔ نزول ۵۲ در سال سوم بعثت (همان: ۱۵۰) و قسمت دوم از آیهٔ ۱۷ تا آیهٔ ۵۲ با موضوع آیات تنبیه و تذریر توحیدی است و به شمارهٔ نزول ۷۲ در سال چهارم بعثت جای می‌گیرد (همان: ۱۵۱).

تقسیم سوره‌ها را بر حسب آیاتی که دربارهٔ موضوع واحد است، تقطیع سوره گویند؛ مانند تقسیم سورهٔ انعام به ۳ گروه و سورهٔ مائده و بقره به ۵ گروه (همان: ۸۵) و سوره‌های ترجیع‌بند، سوره‌هایی هستند که در بردارندهٔ آیات تکراری‌اند؛ مانند سورهٔ رحمن با ۳۱ مرتبه تکرار عبارت ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ (رحمن/۱۳)، قمر با ۳ بار تکرار ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾ (قمر/۱۷) و ۲ بار تکرار ﴿فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرِي﴾ (قمر/۲۱) که در هنگام شمارش، آیه‌های تکراری این سوره‌ها فقط یک بار به شمارش می‌آیند، تا نتیجهٔ بهتری از منحنی به دست آید (همان: ۸۸).

۲. تحلیل و نقد این روش

روش بازرگان یکی از روش‌های اجتهادی در تاریخ‌گذاری قرآن است. این روش به طور کلی در تاریخ‌گذاری قرآن مفید است، اما نمی‌توان بر این مبنا تمام سوره‌های قرآن کریم را تاریخ‌گذاری کرد. هیچ دلیل نقلی و عقلی بر این وجود ندارد که تمام سوره‌ها و آیه‌های کوتاه در ابتدای نزول بوده‌اند و سوره‌ها و آیه‌های بلند در انتهای آن. به همین دلیل هنگامی که بازرگان بر اساس اطلاعات آماری، طول متوسط ۵ آیه ابتدایی سوره علق را محاسبه می‌کند و جایگاه نزولش را در صدر سوره‌ها نمی‌بیند، دست به عملی ابتکاری زده و این ۵ آیه را ۱۰ آیه در نظر گرفته، تا با نظر قاطبه عالمان که این آیات را آیه‌های ابتدایی نزول می‌دانند، هم‌رأی شود (همان: ۵۲۱) و یا زمانی که بر اساس اطلاعات آماری و محاسبه طول متوسط و طول مبنای سوره نصر، آن را در جایگاه سوره‌های مکی و مخالف تاریخ قطعی نزول سوره می‌داند، ۳ آیه این سوره را ۱ آیه در نظر گرفته تا با محاسبات آماری، در ردیف سوره‌های نازل شده در مدینه قرار گیرد؛ زیرا با در نظر گرفتن ۳ آیه برای این سوره، طول متوسط آن $6/33$ و با در نظر گرفتن ۱ آیه ۱۹ می‌شود. در صورت اول در ردیف سوره‌های ابتدایی مکه و در صورت دوم در ردیف سوره‌های انتهایی مدینه قرار می‌گیرد. بازرگان با ۱ آیه گرفتن ۳ آیه این سوره و محاسبه طول متوسط آن به $21/38$ آن را در ردیف سوره‌های مدنی قرار داده است (همان: ۱۱۳). اما چون در سوره زلزله اشاره‌ای به حوادث تاریخ‌مند نشده است، سوره را با طول مبنای $4/50$ در ردیف سوره‌های مکی قرار می‌دهد (همان: ۱۱۱)؛ در حالی که بر اساس روایت‌های ترتیب نزول، سوره زلزله مدنی است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸/۱؛ بیهقی، ۱۹۸۰: ۱۴۲/۷؛ حاکم حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۱۴/۲). در ادامه به بیان اشکالات روش بازرگان با طرح دو اشکال کلی و موردی (مصدقی) پرداخته می‌شود:

۱-۲. اشکالات کلی

در این قسمت از اشکالات، اساس کار بر این است که اگر تمام نتایج روش آماری صحیح باشد که نیست، باز مبنای این روش در تاریخ‌گذاری چندان استوار نیست. این اشکالات در ذیل این عناوین قابل طرح است:

۱-۱-۲. اصل قرار دادن ترتیب اجتهادی بلاشر و بی توجهی به ترتیب‌های روایی
 بازرگان در ترتیب نزول قرآن کریم با تقسیم کل آن به ۱۹۴ واحد نزول، ترتیبی اجتهادی
 ارائه می‌دهد و به روایت‌های ترتیب نزول بی توجهی می‌کند، در حالی که این روایات
 نزدیک به ۱۵ روایت هستند و سند آن‌ها به امام علی علیه السلام، امام صادق علیه السلام، امام
 سجاد علیه السلام، عبدالله بن عباس و شاگردان بی واسطه وی نظیر جابر، مجاهد، ضحاک،
 عکرمه، حسن بصری، و شاگردان با واسطه اش نظیر زهری، ابن واقد، عطاء و مقاتل
 می‌رسد (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۰۴). تعدادی از این روایات مانند روایت امام علی علیه السلام، امام
 صادق علیه السلام، ابن عباس از طریق ابوصالح و عثمان بن عطاء و عکرمه و حسن بصری
 به طور کامل به بیان ترتیب سور مکی و مدنی پرداخته (جفری، ۱۹۷۲: ۱۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱:
 ۵۹/۱-۶۰؛ ابن ضریس بجلی رازی، ۱۴۰۸: ۳۳-۳۴؛ بیهقی، ۱۹۸۰: ۱۴۲/۷؛ حاکم حسکانی نیشابوری،
 ۱۴۱۱: ۴۱۴/۲) و تعدادی مانند روایت مجاهد تنها به بیان ترتیب سور مکی (ابن ندیم
 بغدادی، ۱۳۴۶: ۲۸) و تعدادی مانند روایت ابن جریج تنها به بیان ترتیب سور مدنی (حاکم
 حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۱۰/۲) و تعدادی مانند روایت محمد بن نعمان و امام سجاد علیه السلام
 نیز به طور ناقص به بیان اولین سوره‌های نازل شده در مکه و یا اولین و آخرین سوره
 نازل شده در مکه و مدینه پرداخته‌اند (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱۶). این روایات از
 مهم‌ترین مبنای تعیین تاریخ نزول آیات و سور هستند و پیشینیان، راویان این روایات را
 موثق دانسته‌اند (شهرستانی، ۱۳۷۶: ۱۲۷/۱؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۲۸۱/۱) و افرادی چون
 سید عبدالقادر ملاحویش آل غازی در تفسیر بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول،
 محمد عزه دروزه در (چاپ اول) التفسیر الحدیث علی حسب ترتیب النزول (که هر یک
 جداگانه دوره کامل تفسیر هستند) و نیز در کتاب سیره الرسول صور مقتبسة من القرآن
 الکریم (تفسیر آیات برگزیده سیره و تاریخ رسول اسلام صلی الله علیه و آله به ترتیب نزول) و
 جلال‌الدین فارسی در کتاب‌های پیامبری و انقلاب، پیامبری و جهاد و پیامبری و
 حکومت (که مجموع سه کتاب، یک دوره تفسیر کامل از قرآن است) بر مبنای روایات
 ترتیب نزول، قرآن کریم را تفسیر کرده‌اند و بسیاری از مفسران در سرآغاز تفسیر هر
 سوره‌ای در تفاسیر خویش، بر مبنای این روایات، سوره‌ای را مکی یا مدنی دانسته‌اند
 (ر.ک: طوسی، بی تا: ۲۹۵/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۶۸۵/۱۰؛ انصاری قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۵۰/۲۰؛ طنطاوی،

بی‌تا: ۳۱۵/۱۵؛ حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۷۳/۱۵)، گرچه در این روایات اختلافاتی بر اثر پس و پیش شدن چند سوره در محدوده نزدیک به هم (ر.ک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸/۱؛ بیهقی، ۱۹۸۰: ۱۴۲/۷) یا از قلم افتادن یک یا چند سوره بر اثر خطای نویسنده (ابن ندیم بغدادی، ۱۳۴۶: ۲۸؛ یعقوبی، ۱۴۲۲: ۳۳/۲) یا تصحیف لفظی به لفظ دیگر مانند نحل به نمل (جفری، ۱۹۷۲: ۱۳)، احزاب به اعراف (حاکم حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۱۰/۲)، روم به زمر، حجر به حج، نصر به عصر (موسوی دارابی، ۱۴۲۳: ۷۴۱-۷۴۵) و انعام به انبیاء (ابن ندیم بغدادی، ۱۳۴۶: ۲۸) به وجود آمده است. بروز این اختلافات در این روایات طولانی اجتناب‌ناپذیر است، ولی به لحاظ کثرت این روایات می‌توان با کنار هم نهادن متون روایات و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، اشکالات مذکور را برطرف ساخت و از قدر مشترک آن‌ها، به ترتیب یکسانی دست یافت. اتفاق نظر راویان در این روایات، نشانگر عدم اجتهاد شخصی و وجود روایت و نقل یکسان است، حال آنکه که بازرگان با بی‌توجهی به این روایات، ترتیب اجتهادی بلاشر را پایه و اساس کار خویش قرار داده و تا حد ممکن در صدد آن است که ترتیب خود را با ترتیب وی هماهنگ سازد (بازرگان، ۱۳۸۶: ۵۱).

۲-۱-۲. تقطیع سوره‌ها و الحاقی دانستن برخی آیات بدون تاییدیه روایی

در اینکه نزول آیات برخی سوره‌ها در مکه یا مدینه پیوسته نبوده و با فاصله زمانی انجام شده است، بین صاحب‌نظران اختلاف است. هرچند برخی وجود آیات مستثنیات (وجود آیات مدنی در سوره‌های مکی و آیات مکی در سوره‌های مدنی) را به طور کلی انکار کرده‌اند (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵: ۱۶۹/۱)، برخی تنها با وجود روایت صحیح آن را پذیرفته (رشید رضا، بی‌تا: ۲۸۴/۷) و برخی دیگر، آیات مستثنای مدنی را به شکل مطلق پذیرفته و آیات مستثنای مکی را رد کرده (ابن حجر عسقلانی، بی‌تا: ۳۴/۹) و عده‌ای نیز به طور مطلق به وجود آیات مستثنیات در قرآن اذعان کرده‌اند (بلخی، ۱۴۲۳: ۲۷۰/۲؛ حسینی آلوسی، ۱۴۱۵: ۸۰/۷) و کسانی که به آن اعتقاد دارند با توجه به مبنای روایت آن را پذیرفته و آن را از راه اجتهاد کسب نکرده‌اند. اما در محاسبات بازرگان، برخی سوره‌ها تقطیع شده و یا آیاتی به سوره‌ای الحاق گردیده است، در حالی که هیچ نقلی آن را حمایت نمی‌کند؛ برای نمونه می‌توان به تقطیع سوره‌های انعام، ابراهیم و نور اشاره کرد.

سوره انعام ۸ قسم شده و در ۳ گروه قرار گرفته است. تاریخ نزول گروه اول که شامل ۳ قسم از ۸ قسم است، با موضوع جدال توحیدی، نبوت و آخرت، در سال ۱۰ بعثت، و تاریخ نزول گروه دوم که شامل ۴ قسم از ۸ قسم است با موضوع احکام تشریحی، در سال ۶ هجرت، و تاریخ نزول گروه سوم که شامل ۱ قسم از ۸ قسم است، با موضوع جدال تشریحی روی مآکولات، در سال ۱۰ هجرت نازل شده است (بازرگان، ۱۳۸۶: ۱۴۲). در حالی که بر اساس روایت‌های ترتیب نزول، مکی و مدنی و نقل‌های تاریخی، سوره انعام یکی از سوره‌های مکی به حساب آمده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸/۱؛ بیهقی، ۱۹۸۰: ۱۴۲/۷) که کسانی که برخی آیات این سوره را جزء مستثنیات دانسته و آن را مدنی شمرده‌اند، در مجموع، ۱۰ آیه از این سوره را استثنا نموده‌اند؛ از جمله آیات ۲۰، ۲۳، ۴۷، ۹۱، ۹۳، ۱۱۴، ۱۴۱، ۱۵۱، ۱۵۲ و ۱۵۳ (بلخی، ۱۴۲۳: ۱۴۴۸-۵۴۷/۱؛ فائز، ۱۳۹۰: ۱۳۱/۸؛ برای نقد و رد مستثنا بودن آیات یادشده، ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵: ۱۸۹/۱). اما بازرگان با تقطیع سوره، تاریخ نزول بیش از نیمی از آن را در مدینه می‌داند (بازرگان، ۱۳۸۶: ۱۷۶).

سوره ابراهیم به ۳ قسم تقسیم شده و در ۳ گروه جای گرفته است. تاریخ نزول گروه اول که شامل ۱ قسم از ۳ قسم است با موضوع رسالت، توحید، تنذیر و دعای ابراهیم، در سال ۱۲ و ۱۳ بعثت، و تاریخ نزول گروه دوم که شامل ۱ قسم از ۳ قسم است با موضوع تنذیر و توصیف آخرت، در سال ۷ بعثت، و تاریخ نزول گروه سوم که شامل ۱ قسم از ۳ قسم است، در سال ۹ هجرت قرار گرفته است (همان: ۱۴۴)؛ در حالی که بر اساس روایت‌های ترتیب نزول، مکی و مدنی و نقل‌های تاریخی، سوره ابراهیم یکی از سوره‌های مکی شمرده شده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸/۱؛ بیهقی، ۱۹۸۰: ۱۴۲/۷؛ جفری، ۱۹۷۲: ۱۳؛ ابن ضریس بجلی رازی، ۱۴۰۸: ۳۳-۳۴؛ حاکم حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۱۴/۲؛ ابن ندیم بغدادی، ۱۳۴۶: ۲۸) و تنها آیات ۲۸ و ۲۹ این سوره از آیه‌های مستثنیات به حساب آمده‌اند (بلخی، ۱۴۲۳: ۳۹۶/۲؛ فائز، ۱۳۹۰: ۱۳۱/۸؛ برای نقد و رد مستثنا بودن آیات یادشده، ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵: ۱۸۷/۱)، اما بازرگان، آیه‌های ۶ و ۳۶ این سوره را مدنی دانسته و تاریخ نزول آن را در سال ۹ هجری ثبت کرده است (بازرگان، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

سوره نور به ۴ قسم تقسیم شده و در ۳ گروه جای گرفته است. تاریخ نزول گروه اول که شامل ۱ قسم از ۴ قسم است، با موضوع آیات افک در سال ۵ هجرت، و تاریخ

نزول گروه دوم که شامل ۲ قسم از ۴ قسم است، با موضوع آیات ایمانی و تشریحی در سال ۱۰ هجرت، و تاریخ نزول گروه سوم که شامل ۱ قسم از ۴ قسم است، با موضوع مردم‌شناسی در سال ۱۰ بعثت قرار گرفته است (همان: ۱۴۳)؛ در حالی که بر اساس روایت‌های ترتیب نزول، مکی و مدنی و نقل‌های تاریخی، سوره نور یکی از سوره‌های مدنی شمرده شده است (سیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸/۱؛ بیهقی، ۱۹۸۰: ۱۴۲/۷) و هیچ یک از آیات آن در ردیف آیه‌های مستثنیات قرار نگرفته است، اما بازرگان تاریخ نزول آیات ۴۴ تا ۵۶ این سوره را در سال ۱۰ بعثت و در مکه می‌داند (۱۳۸۶: ۱۷۹).

همچنین می‌توان به تاریخ نزول متفاوت و دور از هم آیات سوره‌های بقره، اعراف، یونس، نحل، اسراء، کهف، حج، قصص، احزاب، سبأ، زمر، فصلت و شوری (همان: ۱۷۴-۱۸۹) و تقطیع سوره‌های اعلیٰ (همان: ۱۸۷)، تکاثر (همان: ۱۸۹)، بروج (همان: ۱۸۷)، طارق (همان: ۱۸۷)، ضحیٰ (همان: ۱۸۸)، فجر و غاشیه (همان: ۱۸۸) اشاره کرد.

در مورد آیات الحاقی نیز چنین است. وی در تاریخ‌گذاری سوره دفعی النزول تین، آیه ﴿إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ (تین / ۶) را الحاقی به این سوره می‌داند (همان: ۵۱۸)؛ زیرا طول متوسط دیگر آیات ۳/۵۷ و طول متوسط این آیه ۹ است. به همین دلیل در هنگام محاسبه طول مبنای آیات، این آیه را الحاقی می‌داند و آن را به حساب نمی‌آورد (همان: ۵۱۸)؛ زیرا با محاسبه این آیه در طول مبنای منحنی و دامنه سوره از حالت طبیعی خارج می‌شود، در حالی که هیچ روایت و مفسری این آیه را جدای از سوره و یا آیه مستثنا به حساب نیاورده است (ر.ک: معرفت، ۱۴۱۵: ۲۰۱/۱).

۱-۲-۳. تعدد قرائات و اختلاف در شمارگان آیات

پیشینان در بسیاری از مسائل متعلق به علوم قرآن، مانند تعداد آیات قرآن، شمارگان آیات، رسم الخط، تعداد کلمات ناشی از اختلاف قرائات و... اختلاف داشته‌اند و از آنجا که این مسائل، مواد اصلی طریق آماری محسوب می‌شوند، با اعتبار بخشیدن به نظری خاص، نتایجی خاص به دست می‌آید؛ برای نمونه می‌توان به اختلاف قرائت در آیه‌های ﴿فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (حدید/ ۲۴)، ﴿مَجْرَىٰ مَحْتَمَّهَا الْأَنْهَارُ﴾ (توبه/ ۱۰۰)، ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَجْمَةً﴾ (ص/ ۲۳) و ﴿إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكْذَأُ أَخْفِيهَا﴾ (طه/ ۱۵) اشاره کرد که به ترتیب با

حذف ضمیر «هو» در «هو الغنی الحمید» در قرائت نافع و ابن عامر (زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۳۷/۲) و اضافه نمودن من در عبارت «تحتها النهار» در قرائت ابن کثیر (شبرای، ۱۳۸۶: ۲۴۴) و اضافه نمودن «أنتی» به «نعجة» در قرائت حسن، منسوب به ابن مسعود (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۸۱/۲) و عبارت «من نفسی کیف أظهرکم علیها» به ادامه آیه «أکاد أخفیها» در قرائت منسوب به ابی بن کعب (ابن قتیبه دینوری، ۱۹۶۳: ۳۶-۳۸) اشاره کرد؛ در حالی که قرائت‌های مختلف، امری اجتهادی بوده و در حکم خبر واحدند (موسوی خویی، ۱۴۱۸: ۱۷۷) و با توجه به حدیث «إِنَّ الْقُرْآنَ وَاحِدٌ نَزَلَ مِنْ عِنْدِ وَاحِدٍ وَلَكِنَّ الْاِخْتِلَافَ يَجِيءُ مِنْ قِبَلِ الرِّوَاةِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۰/۲)، قرآن یک قرائت صحیح دارد که این قرائت به صورت متواتر به پیامبر ﷺ باز می‌گردد.

همچنین در تعداد آیه‌های قرآن کریم بین محققان اختلاف است و شماره‌های آن بین ۶۲۱۷ تا ۶۲۳۶ آیه در جریان است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۱/۳۳۶). بازرگان بر این مشکل واقف بوده و به نظر وی اختلاف در شمارش آیات در برخی سوره‌ها به عدد ۷ نیز رسیده است (۱۳۸۶: ۳۹). همچنین برای حل مشکل در مورد اختلاف در شماره گذاری آیات یک سوره، از قرآن‌های شماره ۱ (بر مبنای قرائت مصری‌ها) و شماره ۲ (بر مبنای قرائت کوفی‌ها) که تعداد آیات آن مختلف است، نام می‌برد؛ برای نمونه به سوره قارعه اشاره شده که بر مبنای قرآن شماره ۱، ۸ آیه به حساب آمده است (همان: ۵۳۲)، در حالی که سوره قارعه در مصحف کنونی ۱۱ آیه دارد.

۲-۲. اشکالات موردی (مصدیقی)

در این قسمت به اشکالات موردی (مصدیقی) ارائه شده توسط بازرگان می‌پردازیم:

۲-۲-۱. نداشتن رویه ثابت در شمارش آیات و کلمات

بازرگان در شمارش کلمات و آیات قرآن کریم یکسان عمل نکرده و در شمارش کلمات، قاعده‌ای بیان کرده و گفته است:

حروف عطف و ربط و نفی و نهی و استفهام و امثال آن‌ها را (مانند: و، ف، لا، لم، هل)، به حساب نیاورده، جزء کلمه متصل به آن گرفتیم، ولی آنجا که دو حرف ربط یا نهی و نفی و استفهام، پهلوی هم آمده باشند، کلمه جدا گرفته، مجموعه حروف و

فعل یا اسم متصل به آن‌ها را دو کلمه حساب کردیم (مانند: فلا تقل، ... یا ائها الذین...). کلماتی چون هو، إذا، ما، غیر نافیة، هذا و مانند آن‌ها را کلمه مستقل به حساب آورده‌ایم (همان: ۴۷).

وی مدعی است که در همه شمارش‌ها یکسان عمل شده است، اما در مقام عمل غیر این است؛ برای نمونه می‌توان به کلمه «لینبذن» در آیه «كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ» (همزه/ ۴) اشاره کرد که بر اساس قاعده ذکر شده، یک کلمه حساب می‌شود. اما بازرگان به جهت مناسب شدن منحنی و دامنه آیات این سوره، آن را ۲ کلمه و آیه را ۵ کلمه به حساب آورده و در توجیه آن گفته است:

چون «لینبذن» با اضافه شدن «ل» در اول و «ن» مشدد در آخر، سنگین و در حکم دو کلمه شده است (همان: ۵۳۷).

در حالی که کلماتی نظیر آن را مثل «لترون» و «لتسئلن» در آیه‌های «لَتَرُونَ الْجِجَمِ* ثُمَّ لَتَرُوهُنَّ عَيْنَ الْيَقِينِ* ثُمَّ لَتَسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکواثر/ ۶-۸) یک کلمه به حساب آورده است (همان: ۱۰۲). در برخی مواقع نیز به تعداد کلمات آیات اضافه کرده تا نتیجه دلخواهش را به دست آورد؛ مانند اضافه ۵ کلمه به آیه ۳۵ کلمه‌ای ۱۴ از سوره صف (همان: ۴۲۷).

در شمارش آیات نیز یکسان عمل نشده و در بسیاری از مواضع برای به دست آوردن منحنی مطلوب، یک آیه ثبت شده در قرآن به دو آیه دلخواه، و چندین آیه ثبت شده در قرآن، به یک آیه دلخواه تبدیل شده‌اند؛ مانند ۲ آیه شمردن آیه ۷ از سوره فاتحه (همان: ۱۹۹) و آیه ۱ از سوره تبت (همان: ۵۴۵) و ۱۰ آیه شمردن ۵ آیه ابتدایی سوره علق (همان: ۵۲۱) و ۱ آیه شمردن ۳ آیه سوره نصر برای اثبات مدنی بودن آن (همان: ۵۴۳). در برخی مواضع، آیه‌ای از یک سوره را به سوره‌ای دیگر انتقال داده و در شمارش آن سوره به حساب آورده است؛ مانند انتقال آیه آخر سوره حشر به ابتدای سوره ممتحنه (همان: ۴۲۶).

همچنین در شمارش آیات، در برخی سوره‌ها نظیر سوره قارعه از قرآن شماره ۱ بر مبنای قرائت مصری‌ها (همان: ۵۳۲)، و در برخی سوره‌ها نظیر سوره واقعه از قرآن‌های شماره ۲ بر مبنای قرائت کوفی‌ها (همان: ۴۱۹) عمل کرده است. در مورد سوره قارعه گوید:

در شماره‌گذاری نوع ۱، هماهنگی شاخص‌ها و نزدیکی طول مینا به طول متوسط بیشتر است، بنابراین آن را اختیار می‌نماییم (همان: ۵۳۲).

و در مورد سوره واقعه گوید:

شماره گذاری نوع ۲ قرآن‌ها در دو مورد که آیات را تقطیع کرده است، منطقی تر و مناسب تر به نظر آمد (همان: ۴۱۹).

۲-۲-۲. خطا در شمارش آیات و کلمات

در شمارش کلمات موجود در آیه‌های قرآن کریم که ماده اصلی این پژوهش است، خطاهایی رخ داده و پژوهش بر این خطاها استوار شده است؛ برای نمونه می‌توان به شمارش آیات و کلمات سوره طه اشاره کرد. این سوره ۱۳۵ آیه دارد، اما بازرگان برای به دست آوردن منحنی و دامنه مورد نظرش، آیه‌های بلند این سوره را به دو یا بیشتر تقسیم نموده و در نهایت ۱۴۳ آیه را برای این سوره در نظر گرفته و در شمارش کلمات آیات نیز به خطا رفته است، آیه ﴿طه﴾ (طه/ ۱) را ۴ کلمه، آیه ﴿الْأَنْذَكِرَةَ لِمَنْ يَخْتَرُ﴾ (طه/ ۳) را ۶ کلمه، آیه ﴿تَنْزِيلًا مِّنْ خَلْقِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ الْعَلَى﴾ (طه/ ۴) را ۴ کلمه، آیه ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ (طه/ ۵) را ۱۲ کلمه، آیه ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهُ الْأَنْبِيَاءِ الْحُسَيْنِ﴾ (طه/ ۸) را ۳ کلمه، و آیه ﴿فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بَيِّنَاتٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنْ أَتَيْتِ الْهُدَى﴾ (طه/ ۴۷) را ۱۰ کلمه به حساب آورده است (همان: ۵۳)؛ در حالی که با توجه به قاعده شمارش آیات که بازرگان در ابتدای کتاب ارائه کرده است (همان: ۴۷)، آیه‌های فوق به ترتیب ۱، ۴، ۶، ۱۲، ۸ و ۲۱ کلمه شمارش می‌شوند.

سوره مائده ۱۲۰ آیه دارد، در حالی که بازرگان ۱۱۴ آیه برای این سوره در نظر گرفته و آیات ۲-۳، ۴-۵، ۸-۹، ۱۹-۲۰، ۳۵-۳۶ و ۵۲-۵۳ را ۶ آیه به حساب آورده است.

در شمارش کلمات هر آیه نیز همانند سوره طه به خطا رفته است. وی آیه ﴿فَمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَانَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَتُسَوِّحُوا حَطًّا مَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (مائده/ ۱۳) را ۷ کلمه، آیه ﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ (مائده/ ۷۸) را ۸ کلمه، و آیه ﴿وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (مائده/ ۱۲) را ۱۰ کلمه

به حساب آورده است (همان: ۵۴)، در حالی که به ترتیب ۳۲، ۱۷ و ۴۵ کلمه شمارش می‌شوند. گذشته از این، بازرگان برای سوره بقره ۲۸۶ آیه‌ای، ۲۹۲ آیه و برای سوره هود ۱۲۳ آیه‌ای، ۱۲۷ آیه در نظر گرفته است. این خطاها در سوره‌های دیگر نظیر آل عمران، انفال، توبه، یوسف، ابراهیم، نحل، اسراء، کهف، مریم، طه، انبیاء، حج، نور، نمل، عنکبوت، سبأ، فاطر، صافات، مؤمن، زخرف (همان: ۹۳-۱۱۳)، دخان (همان: ۳۸۶)، جاثیه (همان: ۳۸۹) و ... نیز اتفاق افتاده است.

۲-۳. بررسی تاریخ نزول برخی از سوره‌های ارائه‌شده به روش آماری

در این قسمت به بررسی تاریخ نزول برخی از سوره‌ها، ارائه‌شده از سوی بازرگان با ترتیب‌های روایی و نظر مفسران با توجه به محتوا و مضمون سوره‌ها پرداخته می‌شود:

۲-۳-۱. سوره فاتحه

وضعیت این سوره نشان می‌دهد که به طور قطع، یا در ابتدا و یا به صورت کامل پس از آیاتی از سوره علق نازل شده است؛ زیرا تمامی روایات ترتیب نزول (جفری، ۱۹۷۲: ۱۳؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۱۱-۱۱۰/۱؛ بیهقی، ۱۹۸۰: ۱۴۲/۷؛ ابن ضریس بجلی رازی، ۱۴۰۸: ۳۳-۳۴؛ حاکم حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۱۴/۲؛ ابن ندیم بغدادی، ۱۳۴۶: ۲۸) و ترتیب‌های ارائه‌شده توسط مفسران و صاحب‌نظران (طبرسی، ۱۴۲۰: ۳/۱؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۳۳/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۱)، این سوره را جزء پنج سوره اول نازل‌شده بر پیامبر ﷺ قرار داده‌اند و نیز مهم‌تر از آن مضمون سوره است که باید در روزهای اول بعثت پیامبر ﷺ بر ایشان وحی شده باشد. تاریخ نزول این سوره در بررسی‌های بازرگان نه در سال اول که در سال سوم بعثت است و در جدول ترتیب نزول ارائه‌شده از سوی وی، چهل و سومین واحد نزول بعد از سوره‌های علق، مدثر، عصر، طور و ... می‌باشد (همان: ۱۵۰). با توجه به تشریح نماز در مکه و حدیث «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۵۸/۴)، نمی‌توان ترتیب نزول بازرگان را در مورد سوره فاتحه پذیرفت. از شواهد موجود مبنی بر اینکه سوره «فاتحة الكتاب» اولین سوره کاملی است که بر پامبر اسلام ﷺ نازل شده است، به دست می‌آید که پیامبر ﷺ و ایمان‌آوردندگان به ایشان، از همان ابتدا با توجه به آیه ۳ سوره مدثر و آیه ۱۰ سوره علق نماز می‌خواندند و در نظر بسیاری از مفسران، آیه ﴿وَرَبَّكَ

فَكَبَّرَ (مدثر/ ۳) به خواندن نماز تعبیر شده است و از آنجایی که هم بنا بر ترتیب بازرگان (۱۳۸۶: ۱۸۸) و هم بنا بر ترتیب روایت‌های ترتیب نزول (سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۱۰-۱۱۱)؛ ابن‌ضریس بجلی رازی، ۱۴۰۸: ۳۳-۳۴؛ حاکم حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۴۱۴/۲؛ ابن ندیم بغدادی، ۱۳۴۶: ۲۸)، سوره‌های مدثر و علق از اولین سوره‌های نازل شده در مکه‌اند، نتیجه‌گیری می‌شود که سوره فاتحة الكتاب از اولین سوره‌های نازل شده در دوران مکه است و قرار دادن این سوره در ردیف بیست و هشتم، با آیات قرآن کریم و نقل‌های تاریخی در تضاد است و پذیرفتنی نیست.

۲-۳-۲. سوره تغابن

سوره تغابن در ترتیب اجتهادی بازرگان، یکصد و هفدهمین واحد نزول و جزء سوره‌های مکی در سال هشتم بعثت است (همان: ۱۵۳)، در حالی که این سوره در مدینه و سال ششم یا اوایل هفتم هجرت نازل گردیده و آیه «إِنْ تُقْرُؤْاَ اللّٰهَ قَرَأْتُمْ حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللّٰهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ» (تغابن/ ۱۷) درباره ضرورت کمک‌های مالی مؤمنان و مسلمانان در راه خداست و باید آن را از مقدمات جنگ‌های سرنوشت‌سازی دانست که به آینده حکومت پیامبر بستگی خواهد داشت و نمی‌تواند در سال‌های هفتم یا هشتم بعثت و حوادث مکه نازل شده باشد و موضوع انفاق در دوران مدینه، نمود بیشتری از دوران مکه دارد و چون در آیه «فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (تغابن/ ۱۶) از موضوع انفاق صحبت به میان آمده است، نمی‌توان نزول آن را در مکه پذیرفت. این سوره از جهت سبک و اسلوب نیز به سوره‌های مدنی نزدیک‌تر است و ذکر عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا! مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ وَعَدُوِّكُمْ فَأَخَذُوا لَكُمْ فَأَخَذُوا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَضَعُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ» (تغابن/ ۱۴) بر مدنی بودن این سوره دلالت دارد؛ زیرا هر سوره‌ای که دارای عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» باشد مدنی است (زرکشی، ۱۴۱۰: ۲۷۴/۱). نیز در سبب نزول این آیه بیان شده است که شخصی اسلام می‌آورد و می‌خواست که هجرت کند. زن و فرزندش مانع شده، می‌گفتند: «تو را به خدا نرو و خاندانت را بی‌سرپرست و بی‌چیز رها مکن». برخی به رقت آمده، در مکه می‌ماندند و هجرت نمی‌کردند. در نتیجه آیه فوق نازل

شد. این سوره در ترتیب روایت‌های ترتیب نزول نیز یکصد و دهمین سوره در دوران مدینه ثبت شده است (ابن ضریس بجلی رازی، ۱۴۰۸: ۳۳-۳۴؛ حاکم حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۲/۴۱۴؛ ابن ندیم بغدادی، ۱۳۴۶: ۲۸) و مفسران بی‌شماری نیز بدون هیچ اختلافی این سوره را مدنی می‌دانند (طوسی، بی‌تا: ۱۷/۱۰؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۳/۲۷۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۰/۴۴۶).

۲-۲-۳. سوره احقاف

بازرگان با تقطیع سوره احقاف، نزول این سوره را سال دوم و هشتم هجری دانسته است (۱۳۸۶: ۱۸۳)؛ حال آنکه مخاطب اصلی در این سوره کفار و مشرکان هستند. در آیه «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ» (احقاف/۳) از روی گردانی کافران از حق و دستورات دینی سخن به میان آمده و در آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَتُنُونِ بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (احقاف/۴) از مشرکان در جهت قدرت بت‌هایشان سخن رانده و در آیه «وَإِذْ أَسْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ» (احقاف/۷) از کافرانی سخن می‌گوید که کتاب قرآن را سحر می‌دانند. در ادامه، داستان انبیا و اقوام پیشین نظیر حضرت هود و موسی عليهما السلام و اقوامشان در جهت عبرت گرفتن کافران ذکر شده است. همچنین در آیه «أَمْ يَقُولُونَ افترأه قُلْ إِنْ افترأته فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا نَفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ» (احقاف/۸) تفکرات کفار و مشرکان را مبنی بر دروغ بستن بر پیامبر و غیر وحیانی دانستن قرآن کریم، ذکر کرده است. علاوه بر این، آیه «فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنْ نَهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ» (احقاف/۳۵) و دعوت پیامبر به صبر، مناسب دوران مکه است نه مدینه؛ زیرا در دوران مکه، مشکلات بیشتری بر پیامبر و یارانش وارد شد تا مدینه.

از این گذشته، روایت‌های ترتیب نزول بدون هیچ اختلافی، این سوره را در دوران مکه به عنوان شصت و ششمین سوره ثبت کرده‌اند (ابن ضریس بجلی رازی، ۱۴۰۸: ۳۳-۳۴؛ حاکم حسکانی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۲/۴۱۴؛ ابن ندیم بغدادی، ۱۳۴۶: ۲۸) و مفسران بی‌شماری نیز بدون هیچ اختلافی، این سوره را مکی می‌دانند (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۱۲/۱۶۹؛ طبرسی،

۲-۳-۴. سوره انسان

سوره انسان در ترتیب اجتهادی بازرگان، هشتاد و پنجمین واحد نزول و جزء سوره‌های مکی در سال چهارم و پنجم بعثت است (۱۳۸۶: ۱۸۶)، در حالی که مضمون و محتوای این سوره با دوران مدینه تطابق بیشتری دارد؛ وفای به نذر، اطعام مسکین، یتیم و اسیر از موضوعاتی هستند که در مدینه نمود بیشتری دارند. وفای به آیه ﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ... يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا﴾ (انسان/ ۷) ذکر شده است. وفا و ایفای نذر، ادا کردن و انجام دادن آن است. واژه نذر به (صورت اسمی) غیر از مورد مذکور، تنها یک بار دیگر در قرآن کریم به کار رفته که با فعل آن نیز همراه است: ﴿وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ...﴾ (بقره/ ۲۷۰). در مدنی بودن سوره بقره اختلافی نیست. در کاربردی دیگر نیز واژه «نذرت» در سوره‌ای مدنی آمده است: ﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا﴾ (آل عمران/ ۳۵). گرچه فعل آن یک بار در سوره‌ای مکی کاربرد دارد: ﴿إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا﴾ (مریم/ ۲۶) اما تأیید و تشویق و استحباب آن بیشتر در سوره‌های مدنی از جمله در سوره انسان به دست می‌آید. اطعام مسکین هم در هر دو سوره‌های مکی و مدنی بیان شده است، با این تفاوت که در سوره‌های مکی در مقام توبیخ و سرزنش کفار و مشرکان است؛ مانند ﴿وَلَا يَحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ﴾ (ماعون/ ۳؛ نیز ر.ک: حاقه/ ۳۴؛ مدثر/ ۴۴)، و در سوره‌های مدنی در مقام تشریح احکام به ویژه کفار است؛ مانند: ﴿وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامِ مَسْكِينٍ﴾ (بقره/ ۱۸۴؛ نیز ر.ک: مائده/ ۸۹ و ۹۵)، و آیه ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ (انسان/ ۸) در راستای آیات مدنی و تشویق به آن است. اطعام یتیم نیز به صورت صریح دو کاربرد قرآنی دارد؛ یکی در سوره مکی بلد: ﴿أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾ (بلد/ ۱۴-۱۵) و دیگری در سوره انسان. کاربرد مکی، حالتی تشویقی، و کاربرد مدنی، حالتی تشریعی دارد و کاربرد سوره انسان در حالت تشریعی است نه تشویقی. مورد مهم دیگر اطعام اسیر است. کلمه «اسیر» به صورت مفرد فقط یک بار آن هم در سوره انسان به کار رفته است و جمع آن به صورت «أسرى» دو بار (ر.ک: انفال/ ۶۷ و ۷۰) و «أسارى» یک بار (ر.ک: بقره/ ۸۵) در سوره‌های



مدنی به کار رفته است و از کاربرد واژه «اسیر» چنین استنباط می‌شود که اسارت دشمنان به دست مسلمانان در مدینه واقع شده است و به همین دلیل در سوره‌های مدنی مورد بحث، اطعام آن‌ها تشویق و تشریح می‌شود و تصور وجود اسیر در جامعهٔ مکی با نبود هیچ حکومت مرکزی و منسجم تصورشدنی نیست (اقبال، ۱۳۹۱: ش ۱۴/۷).

نتیجه‌گیری

۱. با استفاده از روش آماری و بدون توجه به مبانی نقلی، به ویژه روایت‌های ترتیب نزول، و مبانی اجتهادی نظیر ضوابط و ویژگی‌های سور مکی و مدنی و توجه به سبک و اسلوب و مضمون سوره‌ها، نمی‌توان سوره‌های قرآن کریم را تاریخ‌گذاری کرد.
۲. بر روش آماری بازرگان، دو اشکال کلی و موردی (مصدیقی) وارد است: اصل قرار دادن ترتیب اجتهادی بلاشر و بی‌توجهی به ترتیب‌های روایی، تقطیع سوره‌ها و الحاقی دانستن برخی آیات بدون تائیدیۀ روایی و تعدد قرائات و اختلاف در شمارگان آیات از جملهٔ مهم‌ترین اشکالات کلی، و نداشتن رویۀ ثابت در شمارش آیات و کلمات و خطای در شمارش آن‌ها مهم‌ترین اشکالات موردی (مصدیقی) این روش است.
۳. ترتیب زمانی نزول بسیاری از سوره‌های قرآن توسط بازرگان، مغایر با روایت‌های ترتیب نزول، حوادث تاریخی و آن چیزی است که از مفاهیم آیات سوره‌های قرآن به دست می‌آید.

کتاب‌شناسی

۱. آل غازی، سید عبدالقادر ملاحوش، بیان المعانی علی حسب ترتیب النزول، دمشق، مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ ق.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۳. ابن ضریس بجلی رازی، ابو عبدالله محمد بن ایوب بن یحیی، فضائل القرآن و ما انزل من القرآن بمکة و ما انزل بالمدينة، دمشق، دار الفکر، ۱۴۰۸ ق.
۴. ابن قتیبة دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، ادب الکاتب، مصر، المكتبة التجارية، ۱۹۶۳ م.
۵. ابن ندیم بغدادی، محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران، چاپخانه بازرگانی ایران، ۱۳۴۶ ش.
۶. اقبال، ابراهیم، «سورة انسان و اهل بیت (علیهم السلام)»، فصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، سال چهل و پنجم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۷. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
۸. بازرگان، مهدی، سیر تحول قرآن (ج ۱)، تهیه و گردآوری بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۶ ش.
۹. بلخی، مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، به کوشش عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
۱۰. بهجت پور، عبدالکریم، همگام با وحی - تفسیر تنزیلی (به ترتیب نزول)، قم، تمهید، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعه، تعلیق عبدالمعطی قلجعی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۹۸۰ م.
۱۲. جفری، آرتور، مقدمتان فی علوم القرآن و هما مقدمه کتاب المبانی و مقدمه ابن عطیه، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۹۷۲ م.
۱۳. حاکم حسکانی نیشابوری، عبیدالله بن عبدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت (علیهم السلام)، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۴. حسینی آلوسی، شهاب‌الدین سید محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۱۵. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث: ترتیب السور حسب النزول، قاهره، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ ق.
۱۶. رشید رضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم، بیروت، دار الفکر، بی تا.
۱۷. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دار المعرفة، ۱۴۱۰ ق.
۱۸. زمخشری، جارالله محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت، دار الکتب العربیه، ۱۴۲۱ ق.
۲۰. شبرای، عبدالله بن محمد، الاتحاف بحب الاشراف، قم، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۲۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الابرار، تحقیق محمدعلی آذرشب، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۶ ش.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۲۳. همو، قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، بی جا، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۰ ق.

۲۵. همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۲۶. طنطاوی، محمد سید، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، دار المعارف، بی تا.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۸. فارسی، جلال الدین، پیامبری و انقلاب، تهران، امید، ۱۳۶۱ ش.
۲۹. قاسم، «بررسی نظریه آیات مستثنیات سور مکی و مدنی»، فصلنامه مطالعات تفسیری، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۰ ش.
۳۰. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۲. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق.
۳۳. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، دار الثقلین، ۱۴۱۸ ق.
۳۴. موسوی دارابی، سیدعلی، نصوص فی علوم القرآن، مشهد، آستانه الرضویه المقدسه، ۱۴۲۳ ق.
۳۵. نکونام، جعفر، درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن، تهران، هستی نما، ۱۳۸۰ ش.
۳۶. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۳۷. واحدی نیشابوری، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۳۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۲ ق.